

تحلیل نقش جمعیت کلان‌شهر تهران در قدرت ملی کشور

حسین محمدیان- دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه تربیت معلم
دکتر غلامحسن حیدری* - استادیار جغرافیای سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز
دکتر محمدباقر قالیباف - دانشیار جغرافیای سیاسی، دانشگاه تهران

تاریخ پذیرش: ۱۳۸۹/۱۱/۲۴

تاریخ دریافت: ۱۳۸۸/۱۲/۶

چکیده

قدرت ملی به‌عنوان مفهومی ژئوپلیتیکی، ویژگی و صفت جمعی افراد یک ملت را منعکس می‌نماید و هم‌زمان به‌عنوان یک صفت فردی در رابطه با یک کشور و یک دولت تجلی پیدا می‌کند. بنابراین مجموعه انسان‌هایی که تشکیل ملتی را داده که در شکل یک کشور سازمان سیاسی پیدا کرده‌اند دارای قدرتی می‌باشند که از برآیند قوای ترکیب شده آنها به‌دست می‌آید و می‌توان آن را قدرت ملی آن کشور دانست. مردم یکی از عناصر مهم وجودی هر حکومت می‌باشند. موضوع جمعیت یکی از مباحث جامعه‌شناسی، جغرافیای جمعیت و جغرافیای انسانی محسوب می‌گردد، ولی اثر بخشی سیاسی آن در جغرافیای سیاسی مورد بررسی قرار می‌گیرد. جمعیت و ویژگی‌های آن به‌عنوان یک عامل مؤثر در توسعه و قدرت ملی کشور محسوب می‌گردد. برخی عوامل و متغیرها مانند تعداد جمعیت ممکن است در یک کشور دارای کارکرد مثبت بوده و در کشور دیگر کارکرد منفی داشته باشد اما جمعیت کلان‌شهر تهران با توجه به روند تغییراتی که از گذشته تا به امروز داشته است از لحاظ کمی و کیفی وضعیت مشخصی نداشته و بدون برنامه‌ریزی به صورت لکه‌ای در پهنه جغرافیایی کشور دیده می‌شود که در سطح ملی کشور را با چالش‌های اساسی مواجه کرده است. این پژوهش مقاله با روش توصیفی-تحلیلی به بررسی نقش جمعیت کلان‌شهر تهران در قدرت ملی کشور پرداخته است و یافته‌های حاصل از آن نشان می‌دهد کلان‌شهر تهران با وضعیت جمعیتی حال حاضر در قدرت ملی دارای کارکرد منفی می‌باشد.

واژه‌های کلیدی: کلان‌شهر، تهران، جمعیت، قدرت ملی، ایران.

۱- مقدمه

توانمندی‌های محیطی (طبیعی و انسانی)، بستر الگوهای استقرار سکونتگاه‌های انسانی را در فضاهای جغرافیایی فراهم می‌آورد و ساختار فضایی هر مکان تجلی کنش متقابل بین جامعه انسانی و محیط فیزیکی پیرامون آن است (Coats & Knox 1977: 253). پراکندگی جمعیت در فضای جغرافیایی، از دو بُعد قابل بررسی است؛ یکی پراکندگی جمعیت در واحد سطح و دیگری استقرار جمعیت در نقاط روستایی و شهری (Moezi, 1992: 24) اثرات تحولات جمعیتی در ساختارهای فضایی- مکانی در شناخت نحوه شکل‌گیری و سازمان‌بندی فضاهای جغرافیایی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. از سوی دیگر از منظر ابزاری و رابطه با قدرت، جمعیت و انسان بیشتر مورد توجه بازیگران و کنشگران سیاسی است. آنها به جمعیت از این منظر توجه می‌کنند که کمیت و کیفیت آن چه نقشی در افزایش یا کاهش قدرت ملی یا جمعی کشور و یا مکان یا فضای جغرافیایی دارد. بر همین اساس در بعد کمیتی از اندازه مناسب جمعیت صحبت می‌شود. یعنی جمعیتی که حد اکثر درآمد سرانه و رفاه اقتصادی را فراهم کند و به‌لحاظ کیفی سرچشمه اصلی قدرت سیاسی، وحدت و انسجام داخلی، موازنه سیاسی در درون سیستم و ذاتاً سازگار با سیستم سیاسی باشد. همچنین از این منظر کمبود یا اضافه جمعیت، سرچشمه ضعف و ناتوانی در فرآیند توسعه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کشور تلقی می‌شود (Adhikari, 1997: 265). در ارزیابی قدرت کشورها فرض بر این است که در وضعیت مساوی، کشوری که دارای جمعیت بیشتر است قدرتمندتر است از کشوری که جمعیت کمتری دارد؛ چون به‌سختی می‌توان دو کشور را یافت که از جهت کلیه عوامل برابر باشند، بنابراین ارزیابی جمعیت به‌عنوان یک عامل قطعی قدرت کار درستی نیست. جمعیت بیشتر از دیدگاه نظامی و سیاسی اهمیت دارد، ولی از جهت اقتصادی بویژه هنگامی که چگونگی توزیع و پراکندگی جمعیت در سرزمین و روندهای جمعیت‌نگاری در نظر است، وضع متفاوت خواهد بود. در این صورت، خصوصیات کیفی جمعیت، ساختمان جمعیت، سطح سواد، آهنگ رشد و نسبت سن به جنس روی ذخیره‌های بالقوه نظامی و سهم تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان جامعه اثر می‌گذارد (Mirhaydar, 2006: 123-124). به‌همین دلیل جمعیت و

انسان‌ها به مثابه روح مکان و فضای جغرافیایی عمل می‌کنند. در واقع مکان بدون جمعیت به مکان بی‌روح شباهت دارد. مکان بی‌روح مکان طبیعی و دست نخورده است که تغییرات آن متأثر از پدیده‌ها و فرایندهای طبیعی است؛ در حالی که مکان و فضای جغرافیایی برخوردار از روح، جایی است که انسان در آن زندگی می‌کند، تحول می‌آفریند، تغییر می‌دهد، می‌سازد، بهسازی می‌کند و مکان و فضا را شکل می‌دهد و آن را به صورت موجودی زنده و در حال کمال و دگرگونی و تغییر دائمی در می‌آورد (Hafeznia, 2006: 172). بر این اساس انسان در کنش‌های خود بر آن است تا محیط طبیعی را به یک محیط جغرافیایی، یعنی محیطی که انسان‌ها آن را در بوتۀ گذشته تاریخی خود ساخته و پرداخته کرده‌اند، مبدل کند (Dollfus 1995: 37).

قدرت ملی از نظر تاریخی با ظرفیت و توان نظامی پیوند خورده است. زیرا جنگ‌ها در روابط بین‌المللی تعیین‌کننده بوده و شکست یا پیروزی شاخصی برای ارزیابی قدرت آنها بوده است. برای تشخیص قدرت ملی یک کشور نمی‌توان بر روی یک عنصر به‌تنهایی تکیه کرد. مثلاً نمی‌توان وسعت زیاد برزیل، جمعیت زیاد پاکستان، تولید صنعتی بلژیک و غیر آن را مبنا قرار داد، بهترین دلیل اینکه هیچ‌کدام از این کشورها قدرت درجه اول (Jablonsky, 1997: 34-35) علاوه بر این قدرت ملی دو وجه دارد وجه عینی و بالفعل و وجه نهفته یا بالقوه، که دولت‌ها تلاش می‌کنند ظرفیت‌های بالقوه خود را به صورت بالفعل درآورند. آگاهی از ترکیب جمعیت و نحوه توزیع آن در هر کشوری نقش تعیین‌کننده‌ای در رشد و توسعه همه‌جانبه آن دارد و دولتها با اتکاء به این آمار و ارقام قادر می‌گردند تا برنامه‌های خرد و کلان توسعه اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و حتی سازمان اداری جامعه را سامان دهند (Ashofte Tehrani, 2002: 15 16). جمعیت ۳۰/۰۰۰ نفری تهران طی ۲۰۰ سال به رقمی معادل ۷/۹۷۵/۶۷۹ نفر در سال ۱۳۸۵ می‌رسد بررسی روند تغییرات جمعیتی تهران بویژه با توجه به تغییرات جمعیت کشور نکات جالبی را آشکار می‌کند. طی دوره مورد نظر کل جمعیت کشور از ۷/۶۵۴/۰۰۰ نفر در سال ۱۸۰۶ میلادی به رقم ۷۰/۴۹۶/۰۰۰ نفر در سال ۱۳۸۵ شمسی می‌رسد. ملاحظه می‌شود در حالی که جمعیت کل کشور در دوره مورد بحث ۹/۲ برابر شده، جمعیت شهر تهران در همین دوره ۲۶۵ برابر شده است. به عبارت دیگر جمعیت شهر تهران که در سال ۱۸۰۶ میلادی تنها ۴/۴

(کمتر از نیم درصد) جمعیت کشور را تشکیل می‌داد در سال ۱۳۸۵ شمسی ۱۱/۳ درصد جمعیت کل کشور را به خود اختصاص داده‌است. اگر در این بررسی دوره‌های مختلف را تفکیک کنیم و با توجه به نقاط عطف تاریخی شهر تهران مسأله جمعیت را مورد بررسی قرار دهیم، ملاحظه می‌شود در حالی که از سال ۱۲۲۲ تا سال ۱۳۱۰ شمسی یعنی حدود ۹۰ سال جمعیت تهران ۷ برابر شده است، در طی ۷۵ سال بعد یعنی ۱۳۱۰ تا ۱۳۸۵ شمسی جمعیت تهران ۳۷/۹ برابر شده‌است. به همین دلیل اولین نکته‌ای که باید به آن توجه نمود پذیرش واقعیت موجودیت تهران به‌عنوان یک قطب عظیم جمعیتی در حال و آینده است که این موجودیت به‌سادگی قابل منتفی شدن نیست (Rahnamaie and Poormousavi, 2006: 178). به همین دلیل مسأله اصلی پژوهش حاضر این است که جمعیت و ویژگی‌های آن در کلان‌شهر تهران چه تأثیری بر قدرت ملی کشور دارد؟ به‌عبارت دیگر آیا وضعیت فعلی جمعیتی کلان‌شهر تهران کشور را در سطح ملی با چالش‌های بزرگی مواجه خواهد کرد؟ و در ابعاد مختلف اثرات منفی خود را بر قدرت ملی خواهد گذاشت؟ از این‌رو برای مطالعه نقش جمعیتی تهران بر قدرت ملی، جمعیت تهران از نظر برخی شاخص‌های کمی و کیفی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۲- روش تحقیق

روش تحقیق این پژوهش به‌صورت توصیفی-تحلیلی بوده روش گردآوری اطلاعات شامل: بهره‌گیری از منابع آماری: (آمارهای توصیفی، نتایج سرشماری نفوس و مسکن)، کتب، مقالات و گزارش‌های پژوهشی می‌باشد. همچنین با توجه به استفاده از داده‌های آماری، از روش تحلیل آماری نیز استفاده شده است.

۳- مبانی نظری

انسان، مهمترین عامل در ژئوپلیتیک است؛ زیرا تمام پدیده‌های محیط طبیعی چه ثابت و چه متغیر در یک قطب و انسان به‌تنهایی در قطب دیگر قرار دارد (Ezati, 2009: 93). به همین دلیل جمعیت و یا انسان‌های ساکن یکی از عناصر و ارکان اصلی مکان و فضای جغرافیایی را

تشکیل می‌دهد. جمعیت و انسان‌ها به‌مثابه روح مکان و فضای جغرافیایی عمل می‌کند. مکان بدون جمعیت به مکان بی‌روح شباهت دارد (Hafeznia, 2006: 172). اگرچه بحث جمعیت از مباحث جغرافیای انسانی و جغرافیای جمعیت است، اما اثربخشی سیاسی آن باید در جغرافیای سیاسی بررسی شود. به‌همین دلیل جمعیت پیوسته از پدیده‌های مورد بررسی در بحث قدرت و سیاست بوده است (Mojtahedzadeh, 2002: 26)، از سوی دیگر جمعیت رابطه تنگاتنگی با توسعه دارد و روند توسعه، جهت‌گیری و میزان آن تابعی از کم و کیف جمعیت است. افزایش جمعیت، حجم نیازهای مادی و معنوی جامعه را افزایش می‌دهد (Hafeznia, 2002: 115). در همین راستا با اینکه بنیان اصلی هر دولتی سرزمین آن است، وجود واقعی آن تنها در شرایط وجود مردم آن، نحوه توزیع آنها، ویژگی‌های زیستی و دموگرافیکی آنها، توسعه اقتصادی آنها، نهادها و سازمان‌های اجتماعی و میراث فرهنگی آنها معنا می‌شود (Weigert, 1957: 293). به‌عبارت دیگر رشد و توسعه اقتصادی هر سرزمینی، متکی به نیروی انسانی و قدرت تولیدی آن است (Motei Langroodi, 2005: 51) و نیروی انسانی و جمعیت می‌تواند بر قدرت ملی کشور تأثیرگذار باشد.

قدرت ملی یک کشور عبارت است از مجموع توانایی‌های آن کشور در تحمیل اراده خود بر سایر کشورها برای نیل به منافع ملی خود (Tahami, 2003: 103). کالینز، استراتژیست آمریکایی، قدرت ملی را مجموعه‌ای از توانایی‌های بالقوه و بالفعل یک کشور تعریف می‌کند که از توانایی‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، علمی، تکنولوژیک و نظامی آن کشور ناشی می‌شود (Collins, 1996: 24). همچنین قدرت ملی نیز به‌عنوان مفهومی ژئوپلیتیکی، یک ویژگی و صفت جمعی افراد یک ملت را منعکس می‌نماید و همزمان به‌عنوان یک صفت فردی در رابطه با یک کشور و یک دولت تجلی پیدا می‌کند. قدرت وقتی در قالب یک جامعه یا ملت نگریسته می‌شود از برآیند توانایی‌های آن جامعه، قدرت عمومی و کلی آن پدیدار می‌شود. بنابراین مجموعه انسان‌هایی که تشکیل ملتی را داده که در شکل یک کشور سازمان سیاسی پیدا کرده‌اند دارای قدرتی می‌باشند که از برآیند قوای ترکیب شده آنها به‌دست می‌آید و می‌توان آن را قدرت ملی آن کشور یا ملت دانست. چنین قدرتی حاصل ترکیب و جمع جبری وجوه مثبت و منفی

عناصر و بنیان‌های قدرت آن کشور می‌باشد که از پویایی برخوردار بوده و نسبت به ملت‌ها و کشورهای دیگر قابل فهم و درک است. در تعریف قدرت ملی می‌توان گفت، قدرت ملی عبارت است از: مجموعه‌ای از توانایی‌های مادی و معنوی که در قلمرو یک واحد جغرافیایی و سیاسی به نام کشور یا دولت وجود دارد. یا اینکه قدرت ملی عبارت است از: «توانایی، قابلیت و ظرفیت یک ملت و یک کشور برای استفاده از منابع مادی و معنوی خود با هدف اعمال اراده ملی و تحصیل اهداف و منافع ملی» (Hafeznia, 2007: 46). بنابراین قدرت ملی را می‌توان مهمترین و اساسی‌ترین وسیله حفظ موجودیت و تأمین اهداف و منافع ملی کشورها دانست. براساس پژوهشی که در مورد سنجش قدرت ملی توسط زرقانی صورت پذیرفته است، پس از بررسی ۲۸ نظریه در خصوص عوامل تشکیل دهنده قدرت ملی این نتیجه حاصل شده است که: جمعیت و ویژگی‌های کمی و کیفی آن رتبه یکم از عوامل تشکیل دهنده قدرت ملی را براساس الگوهای مورد بررسی به خود اختصاص داده است (Zarghani, 2006: 78 92)، که تأثیر جمعیت و ویژگی‌های آن را بر قدرت ملی یک کشور به وضوح نمایان می‌سازد. برای جلوگیری از اطاله کلام نظریه‌های مذکور در جدول شماره ۱ به صورت فهرست‌وار ذکر گردیده است.

جدول شماره ۱: نظریه‌های دانشمندانی که عامل جمعیت و ویژگی‌های آن را به‌عنوان یکی از عوامل قدرت ملی مطرح نموده‌اند.

ردیف	نظریه پرداز	عنوان نظریه
۱	ارگانسکی	اندازه جمعیت
۲	پامروپر کینز	جمعیت
۳	جان ویک لین	تعداد جمعیت، خصائص ملی، روحیه ملی، همبستگی اجتماعی
۴	جلیل روشندل	میزان جمعیت، ترکیب جمعیت، کیفیت جمعیت، نیروی انسانی صنعتی
۵	جوزف فرانکل	جمعیت
۶	جوشا گلد اشتاین	جمعیت
۷	حسین سیف‌زاده	جمعیت
۸	دیوید جابلنسکی	عوامل جمعیتی شامل: اندازه، روندها، ساختار و غیره
۹	رودولف اشتاین منز	جمعیت
۱۰	ریچارد مویر	جمعیت، تعداد، مهارت‌ها، سلامت، ساختار، خصوصیات اخلاقی و ملی
۱۱	عباس نبوی	جمعیت، دانش، فرهنگ و باور(ایمان)
۱۲	عبدالعلی قوام	میزان جمعیت، ویژگی‌های ملی، روحیه ملی و یکپارچگی اجتماعی
۱۳	عزت الله عزتی	جمعیت و سکنه
۱۴	علی اصغر کاظمی	جمعیت و نیروی انسانی
۱۵	کنت والتز	اندازه جمعیت
۱۶	گیلو فیشر	میزان و پراکندگی جمعیت
۱۷	مارتین گلاسنر	جمعیت، شامل: جنبه‌های کمی و کیفی نظیر تعداد، نسبت جنسی و سنی، نیروی نظامی ناشی از آن، مهاجرت، سطح آموزش، سواد، توزیع ثروت، کیفیت ملت، ترکیب ملت، نخبگان، نهادهای اجتماعی، طرز فکر و علایق ملی
۱۸	محمدرضا حافظ‌نیا	جمعیت (تعداد، ترکیب سنی، طول عمر، مرگ و میر عمومی، مرگ و میر کودکان)
۱۹	جرمن	جمعیت
۲۰	رای کلاین	جمعیت و وسعت
۲۱	فوکس	جذر جمعیت
۲۲	نیکلاس اسپایکمن	کثرت جمعیت
۲۳	هانس مورگنتا	جمعیت بویژه پراکندگی و گرایش‌ها

۴- یافته‌های تحقیق و تجزیه و تحلیل آن

۴-۱- ابعاد جمعیتی کلان‌شهر تهران

۴-۱-۱- بعد کمی جمعیت

اهمیت کثرت جمعیت کارآمد برای تشکیل قدرت ملی آشکار به نظر می‌رسد (Saeifzade, 2006: 175). اما با همه پیشرفت‌هایی که در زمینه تولید جنگ افزارها پدید آمده است، کمیت جمعیت به‌عنوان یک عامل تعیین‌کننده در قدرت ملی کشور بویژه در بعد نظامی ایفای نقش می‌نماید زیرا جمعیت زیاد اعتماد به‌نفس در داخل و ترس و احترام در خارج را به‌همراه دارد (Roshandel, 1995: 71). جمعیت در شکل، اندازه و روندها و ساختمان آن بر قدرت ملی تأثیر می‌گذارد جمعیت زیاد پیش شرط قدرت محسوب می‌گردد ولی عامل تعیین‌کننده قطعی نیست (Hafeznia, 2006: 282). هرچند جمعیت زیاد به‌نوبه خود می‌تواند موجبات ضعف یک کشور را فراهم کند و از سوی دیگر پیشرفت‌های تکنولوژیک در عرصه جنگ‌ها توانسته نقش جمعیت زیاد را در دفاع کاهش دهد ولی همچنان کشورهای پرجمعیت جزو کشورهای قدرتمند جهان شناخته می‌شود (Ibid: 177). با این حال جمعیت زیاد اگر همچون ژاپن از کیفیت زیستی، اقتصادی، فنی و علمی خوب برخوردار باشد منشاء قدرت ملی خواهد بود. اما براساس دیدگاه امیدوارکننده کرنوکوپایی^۱ با افزایش جمعیت، منابع جامعه، توسعه می‌یابد و در نهایت موجب افزایش منابع سرانه می‌شود. این توسعه از این احتمال ناشی می‌شود که جمعیت بزرگ اصولاً باعث تخصیصی کردن فزاینده، تقسیم کار مؤثرتر و پیشرفته و فرصت گسترش مازاد اقتصادی می‌گردد (Braden and Shelly, 2004: 102). از سوی دیگر بر اساس نظریات جامعه‌شناسانی از قبیل امیل دورکیم، ماکس وبر، جورج زیمل، مرتن و لمرت که به رابطه تراکم جمعیت و افزایش بزهکاری اشاره نموده‌اند (Hassanitabar, 2007: 25 26) و با توجه به جدول شماره ۳، به‌وضوح مشخص است که افزایش جرم و جنایت رابطه مستقیمی با افزایش تراکم جمعیت دارد. انگلز نیز در بررسی جرایم خیابانی کالیفرنیا ارتباط بین جرم و

1- Cornucopia

تراکم جمعیت را اثبات نمود. وی همچنین معتقد به وجود افزایش جرم و تراکم فعالیت‌ها در خیابان‌های شهر شد (Kalantari, 2001: 80). از سوی دیگر در تحلیل نقشه‌های تراکم نسبی جرم (به ازاء جمعیت و واحد سطح) ارتباط مستقیم و مثبت تراکم جمعیت (در نواحی مختلف شهر) و تعداد جرم ارتكابی در هر منطقه را به‌خوبی نشان می‌دهد.

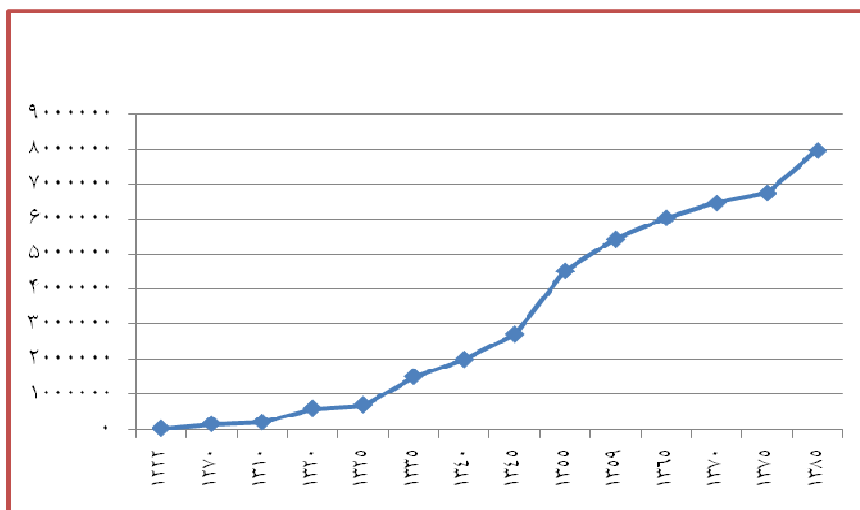
زیمیل معتقد است با افزایش تراکم جمعیت، فاصله بین ساختار اجتماعی کلان جامعه و اراده فردی افزایش یافته، کنترل اجتماعی ضعیف‌تر شده و فرد از آزادی عمل بیشتری برخوردار است. بنابراین هر قدر تراکم در ناحیه یا منطقه‌ای از شهر بیشتر باشد، احتمال وقوع جرم در آن افزایش می‌یابد. از سوی دیگر بر اساس دیدگاه محیط‌شناسی انسانی، ارتباط فیزیکی رو به تزاید که همان تراکم جمعیت می‌باشد، موجب کاهش تماس و افزایش تنش‌ها است. همچنین تراکم جمعیتی منجر به ایجاد فاصله‌ای اجتماعی شده از این‌رو، افزایش خشونت، جرائم و آسیب‌های اجتماعی از پی‌آمدهای آن است (Naghdi, 2003: 64). از طرف دیگر جدول شماره ۲ نشان می‌دهد، جمعیت ۳۰/۰۰۰ نفری تهران طی ۲۰۰ سال به رقمی معادل ۷/۹۷۵/۶۷۹ نفر در سال ۱۳۸۵ می‌رسد و ملاحظه می‌شود در حالی که جمعیت کل کشور در دوره مورد بحث ۹/۲ برابر شده، جمعیت شهر تهران در همین دوره ۲۶۵ برابر شده است.

جدول شماره ۲: روند تغییرات جمعیت کل کشور و شهر تهران در ۲۰۰ سال اخیر

سال شمسی	جمعیت کل کشور	جمعیت شهر تهران	نسبت جمعیت شهر تهران به کل کشور(درصد)
۱۱۶۴ (۱۸۰۶م)	۷۶۵۴۰۰۰	۳۰۰۰۰ ^۱	۰.۳۹
۱۲۷۰	۸۱۲۴۰۰۰	۱۶۰۰۰۰	۱.۹۷
۱۳۱۰	۱۱۸۵۰۰۰۰	۲۱۰۰۰۰	۱.۷۷
۱۳۲۰	۱۲۸۳۰۰۰۰	۶۰۰۰۰۰	۴.۶۸
۱۳۲۵	۱۴۱۵۹۰۰۰	۷۰۰۰۰۰	۴.۹۴
۱۳۳۵	۱۸۹۵۴۷۰۴	۱۵۱۲۰۸۳	۷.۹۸
۱۳۴۰	-	۲۰۰۰۰۰۰	-
۱۳۴۵	۲۵۷۸۱۷۲۲	۳۷۱۹۷۳۰	۱۰.۵۵
۱۳۵۵	۳۳۷۰۸۷۴۴	۴۵۳۰۲۲۳	۱۳.۴۴
۱۳۵۹	-	۵۴۴۳۷۲۱	-
۱۳۶۵	۴۹۴۴۵۰۱۰	۶۰۴۶۳۷۵	۱۲.۲۳
۱۳۷۰	۵۵۸۳۷۱۶۳	۶۴۷۵۵۲۷	۱۱.۶۰
۱۳۷۵	۶۰۰۵۵۴۸۱	۶۷۵۸۸۴۵	۱۱.۲۵
۱۳۸۵	۷۰۴۹۶۰۰۰	۷۹۷۵۶۷۹	۱۱.۳۱

Source: Statistical Center of Iran

۱- در سال ۱۸۰۶ میلادی، ژوبر فرانسوی جمعیت تهران را ۳۰۰۰۰ نفر تخمین زده است.



نمودار شماره ۱: روند تغییرات جمعیت شهر تهران

با بررسی نوسان‌های جمعیتی هشت شهر بزرگ کشور طی سالهای ۱۳۳۵ تا ۱۳۸۵ بر اساس نمودار شماره ۲ تهران همواره از نظر شاخص کمی جمعیت همواره نخستین شهر کشور بوده است و این نخست شهری را همواره حفظ نموده است. این در حالی است که تراکم بیش از حد جمعیت در تهران چالش‌ها و تنگناهایی را در ابعاد زیست محیطی، سیاسی و امنیتی، اقتصادی و اجتماعی در سطح ملی برای کشور به ارمغان آورده است که می‌تواند در آینده‌ای نه‌چندان دور سبب تضعیف قدرت ملی کشور در منطقه و نظام بین‌الملل باشد (جدول شماره ۳).



نمودار شماره ۲: نوسان‌های جمعیتی هشت شهر بزرگ کشور طی سالهای ۱۳۳۵ تا ۱۳۸۵

جدول شماره ۳: چالش‌های تمرکز جمعیت کلان‌شهر تهران و ابعاد آن

ابعاد آن	نوع چالش
<p>۱- کاهش شأن و منزلت پایتختی و نقش فرامنطقه‌ای و بین‌المللی تهران؛ ۲- جبران ناپذیری خسارات ناشی از سوانح طبیعی و حوادث غیرمترقبه؛ ۳- کاهش کنترل اجتماعی و افزایش هزینه‌های امنیتی؛ ۴- افزایش مسائل روزمره و تمرکز نیروها برای حل آنها به صورت روزمره؛ ۵- حضور غیررسمی اتباع بیگانه و ایجاد مسائل امنیتی، اخلاقی، کاری و شغلی.</p>	<p>چالش سیاسی - امنیتی</p>
<p>۱- فقدان تنوع اجتماعی و اقتصادی در کانون‌های جمعیتی این منطقه و وابستگی شدید آنها به شهر تهران، این کانون‌ها را از انجام و پویایی درونی محروم ساخته و به‌رغم دارا بودن آستانه‌های جمعیتی بالا، آنها را به مراکز خوابگاهی گروه‌های کم‌درآمد تبدیل کرده است؛ ۲- افزایش نامعقول زمان و هزینه جابجایی، بویژه برای ساکنان کم‌درآمد کانون‌های جمعیتی حاشیه، بررسی‌ها نشان داده است که ۵۰ درصد ساکنان حاشیه‌ها روزانه بیش از ۳ ساعت و ۱۵ درصد فقیرترین آنها بیش از ۴/۵ ساعت صرف رفت و برگشت از محل کار می‌کنند. هزینه رفت و آمد نیز تا حدود ۳۰ درصد در آمد خانوار را به خود اختصاص می‌دهد؛ ۳- سختی و گرانی خدمات‌رسانی به کانون‌های جمعیتی از طریق نهادهای مسئول به دلیل پراکندگی استقرار جمعیت و فعالیت؛ ۴- به هم خوردن تعادل اقتصادی، اجتماعی و فضایی؛ ۵- کاهش سرانه امکانات و زیر ساخت‌ها و کاهش دسترسی به امکانات رفاهی؛ ۶- از دست رفتن فرصت شکل‌گیری زیرساخت‌های اقتصادی و اجتماعی لازم برای تداوم سکونت و فعالیت؛ ۷- تشدید معضلات حمل و نقل و ترافیک؛ ۸- کاهش امید به یافتن شغل و استفاده از امکانات برای جمعیت بومی؛ ۹- افزایش رانت اقتصادی و زمین‌خواری ناشی از تمرکز؛ ۱۰- تشدید جدایی‌گزینی گروه‌های کم‌درآمد و تمرکز فقر در حاشیه پایتخت و پیامدهای منفی سیاسی امنیتی، اجتماعی و فرهنگی ناشی از آن؛ به‌عنوان مثال حدود ۶۰ درصد از خانوارهای ساکن در شهرستانهای ری و اسلامشهر گروه‌های کارگری می‌باشند؛ ۱۱- کمبود شدید زیرساخت‌ها، خدمات، تأسیسات و تجهیزات شهری در اغلب کانون‌های جمعیتی مجموعه؛ ۱۲- کاهش کارآیی و بهره‌وری اقتصادی مجموعه به دلیل فقدان تنوع و پویایی اقتصادی و اجتماعی در کانون‌های جمعیتی و اتلاف منابع و نیروهای مولد؛ ۱۳- نزول مستمر کیفیت محیط کالبدی و اجتماعی شهر تهران بر اثر فشار کانون‌های جمعیتی محروم پیرامون.</p>	<p>چالش اقتصادی - امنیتی</p>

ادامه جدول شماره ۳

نوع چالش	ابعاد آن
چالش‌های زیست محیطی	۱- ازدحام بیش از اندازه جمعیت و آلودگی (هوا، آب، خاک، صوتی و بصری) در مقصد؛ ۲- افزایش آسیب‌های زیست محیطی، در مقصد و مناطق پیرامونی آن؛ ۳- چالش‌های عدیده در تأمین آب مصارف شرب، صنعتی و کشاورزی؛ ۴- مشکل دفع پسماندهای صنعتی و شهری؛ ۵- چالش مدیریت مواد زاید جامعه شهری؛ ۶- اتلاف، تخریب و از میان رفتن یکپارچگی اراضی مرعوب کشاورزی و باغات؛ ۶- گسترش آلودگی‌های زیست محیطی.
چالش اجتماعی - امنیتی	۱- کاهش کارآیی راه‌های اصلی و سطح آسایش و ایمنی کانون‌های جمعیتی حاشیه به دلیل استقرار؛ ۲- گسترش حاشیه نشینی و پدیده روستایی شدن شهرها؛ ۳- کاهش شدید سرمایه اجتماعی در مبدأ و انباشت ناکارآمد آن در مقصد؛ ۴- تنوع قومیت‌ها و ایجاد جامعه ناهمگون فرهنگی؛ ۵- تغییر ناهمگون ساختارهای جمعیتی (جنسی و سنی و...؛ ۶- گسترش مسائل و مشکلات اجتماعی (طلاق، سرقت، جنایت، بزهکاری، اعتیاد و...؛ ۷- مخدوش شدن کرامت انسانی و تقلیل ارزشهای حوزه‌های عمومی؛ ۸- کاهش رضایت، اعتماد و امنیت اجتماعی در مقصد؛ ۹- تهدیدهای عدیده میراث فرهنگی و زیست بومی تهران.

Source: Sarvar, 2009: 44

در مجموع باید اذعان داشت که تمرکز جمعیت در تهران، عدم تعادل‌های فضایی را با پیامدهایی چون توزیع نامناسب فرصت‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و مسائل ناشی از آن مواجه ساخته و به‌عنوان یکی از منابع تهدید ملی در ایران از آن یاد می‌شود (Mohammadi and et al, 2008: 77).

۲-۱-۴- ابعاد کیفی جمعیت

۱-۲-۱-۴- ارزش‌های فرهنگی - اجتماعی مردم

از فرهنگ در عرف سیاست بین‌الملل به‌عنوان قدرت نرم یاد می‌شود؛ چرا که قدرت نرم، توانایی شکل‌دهی به ترجیحات دیگران است و جنس آن از نوع اقتناع است. در جغرافیای سیاسی هر کشوری فرهنگ پایدار و توسعه‌یافته، مهمترین عامل در تأمین وحدت ملی است (Altaei, 2003: 77).

160). از سویی فرهنگ به‌عنوان موتور محرکه توسعه، زمینه‌ساز حرکت جوامع و الگوهای رفتار سیاسی، اجتماعی و اقتصادی است که با فروکش کردن چالش‌های ایدئولوژیکی، نقش آن به‌عنوان پارادایم جایگزین به‌تدریج، اهمیت یافته است. از این‌رو نظریه‌های فرهنگی گوناگونی با هدف توضیح و تفسیر جایگاه فرهنگ در سیاست داخلی و خارجی و نیز در سطوح جهانی ظهور نمودند (Tohidfam, 2003: 45). پیش‌فرض اساسی نظریه‌های فرهنگی، آن است که رفتار و کنش‌های انسان در زندگی فعال و پویای اجتماعی و برقراری رابطه با دیگران، متأثر از الگوهای روابط اجتماعی و گرایش‌های فرهنگی است. این نظریه‌ها به‌دنبال شناخت زمینه‌ها، فرایند شکل‌گیری و بروز الگوهای رفتاری، ارزش‌ها، اعتقادات و ترجیحات ما در زندگی اجتماعی هستند؛ بنابراین معتقدند که از این طریق می‌توان رفتار سیاسی انسان را شناخت (Thompson, 1990: 1-5). ارزش‌های فرهنگی ایرانی در ابعاد مختلف زبان، دین، هنر، موسیقی، شعر و افسانه، غذا، لباس، الگوی روابط خانوادگی، آداب و رسوم اجتماعی، باید و نبایدهای اخلاقی، باورها، رابطه فرد با دولت یا نظام اجتماعی و سیاسی و غیره دارای ویژگی‌های منحصر به‌فردی است که آن را از فرهنگ‌های نواحی پیرامونی آن مستثنا می‌کند. فرهنگ ایرانی با دارا بودن خرده فرهنگ‌های مختلف در گستره جغرافیایی آن، نه‌تنها فضای جغرافیایی ایران امروز بلکه برخی از ویژگی‌های آن در آن‌سوی مرزها، منطقه آسیای مرکزی، قفقاز، افغانستان و بخش‌هایی از پاکستان را نیز فراگرفته است (Hafeznia, 2002: 188). در واقع ایران سرزمینی است که از ابتدا تعامل، رفاقت و وحدت در عین کثرت در آن نهادینه شده است. لذا در جامعه چند فرهنگی ایران، شناسایی فرهنگ‌های مختلف ضروری بوده و می‌بایست الگوی خاص مناسبی با وضعیت جغرافیایی، تاریخی، فرهنگی، سیاسی و غیره ارائه شود (Salehi Amiri, 2003: 213).

تهران به‌عنوان پایتخت و نخست شهر جمعیتی کشور از نظر شاخص‌هایی از قبیل: توجه به جهت‌گیری دینی، ویژگی زن سنتی، زن مدرن و ناهنجاری‌های اجتماعی در رتبه اول کشور می‌باشد آمیختگی ارزش‌های خانوادگی، اجتماعی، سیاسی، جنسیتی و جهانی در تهران بیشتر می‌باشد؛ به‌گونه‌ای که جهت‌گیری سکولار از دین، توجه به ویژگی زن مدرن و هنجارهای جنسیتی یکسان و اعتماد اجتماعی پایین، در عین داشتن ساخت سنتی خانواده و زن سنتی و نیز

موجه‌نمایی بسیاری از احکام نابهنجار اجتماعی در سطح بالایی در این شهر قرار دارد. بنابراین، می‌توان بیان داشت که تکلیف هنجارها در چنین جامعه‌ای در قالب مدرن شدن یا سنتی ماندن و جدا شدن از بافت نظام ارزشی سنتی نوعی «آنومی هنجاری» را پدید آورده است. با توجه به مدل نظری اینگلهارت درباره «دگرگونی فرهنگی» و «توسعه اقتصادی» مبنی بر این که دگرگونی فرهنگی در جامعه با وضعیت محیطی و رشد اقتصادی و تکنولوژیکی ارتباط دارد مشخص شده است که توسعه در مناطق مختلف با تغییرات ارزشی هماهنگی دارد؛ به عبارتی: هرچه مناطق فرهنگی- اجتماعی از ارزش‌های سنتی فاصله می‌گیرند و به تدریج الگوهای جدید ارزشی و مدرن را نمایان می‌سازند، شاخص‌های توسعه اقتصادی، سطح بالاتری را نشان می‌دهند. این نکته در مورد تهران که آمیزه‌ای از ارزش‌های سنتی و جدید است، به خوبی مشاهده می‌گردد (Azadarmaki and Ghiasvand, 2004: 53). نمونه مشخص آن کریوله‌هایی است که در شهر تهران شکل گرفته و با شهرهای جنوب کشور یا جنوب شرق و مکان‌های دیگر متفاوت است و درجات این کریوله‌ها نیز به گونه‌های متنوع قابل مشاهده است. به عنوان مثال: در شهر تهران با گونه‌های زیادی از کریوله‌های اجتماعی- فرهنگی شهری همچون دین، زبان، قومیت، موسیقی، معماری، برنامه‌ریزی شهری، حاشیه‌نشینی، نهادها و سازمان‌ها، الگوهای مصرف و غذا، مد و پوشش و الگوهای رفتاری روبه‌رو هستیم که این حجم از کریوله‌ها را در شهرهای دیگر ایران کمتر مشاهده می‌کنیم (Hassani, 2006: 58). از این رو به شهر تهران چه پیش از انقلاب و چه پس از آن، نه به صورت مجموعه‌ای به هم پیوسته از اجزای متفاوت بلکه به عنوان دیگری جوشان از عناصر متفاوت نگریسته شده است (Madanipoor, 2002: 161). در نهایت باید اذعان داشت تفاوت‌های فرهنگی شهروندان تا زمانی که آسیبی به وفاداری آنان به آرمان سیاسی دولت که بقای ملی است، وارد نی‌آورد، نه تنها تهدید به حساب نمی‌آید که فرصتی همه‌جانبه و گسترده برای توازن، تعادل قومی و پاسداری از هویت ملی است (Karimipoor and Mohammadi, 2009: 18).

۱- در واقع کریوله نوع جدیدی از ترکیب و تلفیق دو چیز است. در زبان‌شناسی به گروه‌هایی از مردم که با نوع جدیدی از تلفیق دو زبان با هم صحبت می‌کنند کریوله‌ها می‌گویند.

۲-۱-۲-۴- همگونی یا ناهمگونی جمعیت

ترکیب قومی و فرهنگی جمعیت که الگوی ملت را در یک کشور شکل می‌دهد نیز بر قدرت ملی تأثیر می‌گذارد. دولت‌ها و کشورهایی که دارای ملت بسیط و یکپارچه یا تک‌قومی می‌باشند از انسجام ملی به‌عنوان عامل قدرت‌آفرین برخوردارند (Hafeznia, 2006: 383). به‌عبارت دیگر همگونی فرهنگی - نژادی یا برعکس، ناهمگونی می‌تواند باعث تقویت یا تضعیف یک جامعه شود. البته این به چگونگی رفتار مردم نسبت به یکدیگر و نقش دولت در تقویت پیوندهای ملی یا تضعیف آن بستگی دارد (Mirhaydar, 2006: 124). با توجه به اینکه ایران ناهمگن‌ترین ملت میان ۲۱ کشور تشکیل‌دهنده هسته مرکزی جهان اسلام به‌شمار می‌رود و از نظر زبانی در شمار ده کشور ناهمگن جهان می‌باشد (Karimipoor and Mohammadi, 2009: 9). اگر بخواهیم شهر تهران را نیز از نظر همگونی یا ناهمگونی جمعیتی آن بررسی کنیم باید اذعان داشت جامعه شهر تهران، تجمعی از مهاجران است و مانند آئینه‌ای است که تصویر کل کشور را در خود منعکس می‌سازد گروه‌های چندقومی و چندزبانی از قبیل کردها، آذری‌ها، ترکمن‌ها، عرب‌ها، لرها، بلوچ‌ها، و سایر اقوام در تهران، موزائیکی از گذشته‌ها و هویت‌های متنوع تشکیل شده اما زبان و فرهنگ رسمی فارسی بر آنها غالب است (Behzadfar, 2007: 317). به‌عبارت دیگر وجود خرده فرهنگ‌های مختلف ایرانی در کنار هم در مرکز کشور عاملی خواهد بود در جهت بیداری و خیزش یکبارۀ هویت‌های محلی که در جامعه ایرانی به‌دلیل ساختار متمرکز سیاسی - فرهنگی - اقتصادی کشور تا به حال اجازه رشد نداشته‌اند. البته عکس این عمل نیز می‌تواند روی بدهد؛ یعنی اینکه تجمع خرده فرهنگ‌های مختلف در مرکز کشور باعث ادغام و نزدیکی هرچه بیشتر گروه‌های مختلف ایرانی باشد (Hafeznia and et al, 2009: 159).

۳-۱-۲-۴- ترکیب یا ساختمان جمعیت

ساختمان جمعیت از عوامل مهمی است که می‌تواند در میزان قدرت ملی هر کشوری تأثیرگذار باشد. به‌طور مثال درصد جمعیت در گروه سنی تولیدکنندگی که معمولاً بین ۴۵-۱۸ است برای قدرت ملی از اهمیت زیادی برخوردار است؛ زیرا بالا بودن نسبت جمعیت در این فاصله سنی باعث

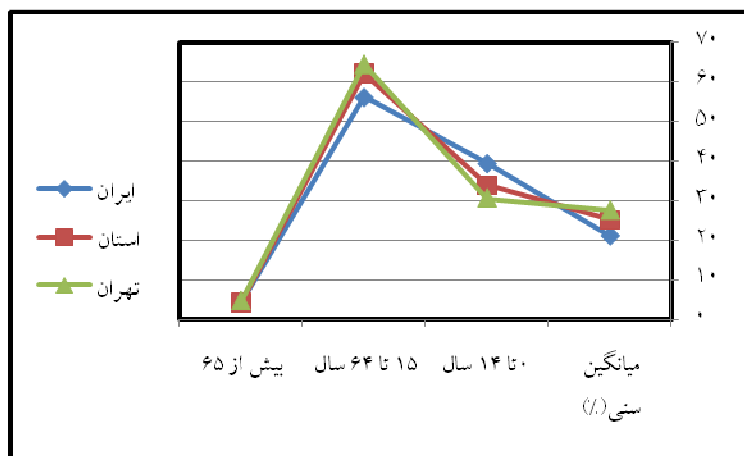
تأمین نیروی نظامی، صنعتی و همچنین تولید نسل جدید می‌شود. بر این اساس کشورهای پرجمعیت برخوردار از جمعیت جوان دچار مشکل بوده و توانایی تأمین نیازهای جمعیت مصرف کننده را ندارند. در این گونه کشورها بار تکفل بالاست. همچنین در ساختمان‌های جمعیتی پیر و کهنسال نیز مشکل وجود دارد. چرا که این کشورها با خطر کمبود جمعیت بویژه در گروه‌های سنی تولید کننده روبه‌رو هستند ولی ساختمان‌های متوسط که اکثریت جمعیت را در خود جای داده و به‌عبارتی بیشترین افراد در گروه‌های سنی ۴۵-۱۸ دارند، نتایج بسیار خوبی را برای تولید قدرت ملی کشور ارائه می‌دهند (Hafeznia, 2006: 383). تغییر ساختار سنی جمعیت که در نتیجه تغییر نرخ رشد جمعیت به وجود می‌آید، می‌تواند اثرات مهم و تعیین کننده بر رشد اقتصادی داشته باشد. تغییر ساختار سنی جمعیت از راه‌های مختلف بر رشد اقتصادی تأثیر می‌گذارد. از یک طرف با تغییر سهم جمعیت در سن کار از کل جمعیت، بازار نیروی کار را متأثر می‌نماید و از طرف دیگر، بر اساس نظریه چرخه زندگی، مصرف و در نتیجه پس انداز و سرمایه‌گذاری را تحت تأثیر قرار می‌دهد. تغییر ساختار سنی جمعیت به نفع جمعیت در سن کار (۶۴-۱۵ ساله) اثر مثبت بر رشد درآمد سرانه خواهد داشت و اگر رشد نیروی کار شاغل از رشد جمعیت در سن کار (که پیش بینی‌ها نشان می‌دهند در سال‌های آتی همچنان رو به افزایش است) کمتر باشد، یک اثر منفی بر درآمد سرانه خواهد داشت (Arabmazar and Keshvari Shad, 2005: 48). از سوی دیگر در جامعه‌ای که به جوانی، شادابی و سرزندگی و جذابیت فیزیکی ارج بسیار می‌نهند سالخوردگان معمولاً نمایان نیستند. اما در سال‌های اخیر شاهد دگرگونی‌های بسیاری در نگرش نسبت به سالخوردگی بوده ایم. زیرا به تدریج که آنها نسبت هر چه افزون‌تری از جمعیت را تشکیل می‌دهند، نفوذ اجتماعی بیشتری کسب می‌کنند. چنانچه هم‌اکنون در آمریکا، به صورت یک گروه فشار سیاسی قدرتمند درآمد و در انگلستان نیز تحولات مشابهی قابل مشاهده است (Giddens, 1997: 646) با تلفیق دو نظریه سیر فزاینده تورم و بیکسلی و تئوری سیکل زندگی مصرف، مودیگیلیانی، اثرگذاری توزیع نسبی جمعیت به صورت طبقه‌بندی گروه‌های سنی مختلف جمعیت همراه با تورم انتظاری آزمون شده است که یافته‌های تحقیق میزان تورم ناشی از فشار تقاضا برای تأمین نیازهای مصرفی در گروه‌های بیشتر مصرف‌کننده (۱۴-۰) ساله، (۲۹-۱۵) ساله و بالای ۶۴ سال دارای اثر مثبت

معنادار روی تورم و گروه‌های سنی پس انداز کننده (۳۰-۴۴) ساله و (۴۵-۶۴) ساله دارای اثر منفی معنا دار روی تورم می‌باشد، نسبت به گروه‌های پس‌انداز کننده را تأیید می‌کند. تقاضای گروه‌های سنی مصرف‌کننده برای تأمین نیازهای مصرفی، آموزشی، بهداشتی و درمانی در دوران جوانی و سالخوردگی روی تورم در کشور مثبت ارزیابی می‌شود. با توجه به نمودار شماره ۳، شهر تهران دارای جمعیت مسن‌تری نسبت به دیگر نقاط کشور است (سن میانگین تهران ۲۷ سال است و ۳۰/۷ درصد جمعیت کمتر از ۱۵ سال سن دارند) اما پراکندگی آنها در شهر یکنواخت نیست: مناطقی که دارای جوان‌ترین جمعیت هستند (سن میانگین ۲۲ سال) در حاشیه شهر واقع شده‌اند، در حالی که محله‌هایی که دارای جمعیت مسن‌تری هستند در مرکز شمالی شهر بین خیابان جمهوری و ناحیه تجریش تمرکز پیدا کرده‌اند (سن متوسط در این نواحی بین ۳۰ تا ۳۴ سال است) (Habibi, 2005: 84).

جدول شماره ۴: درصد جمعیت گروه‌های سنی

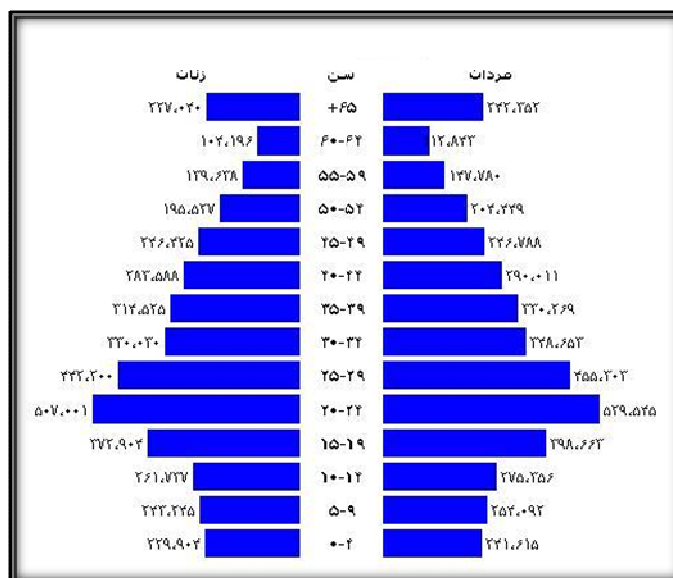
تهران	استان	ایران	
۲۷.۶	۲۵	۲۱.۱	میانگین سنی (%)
۳۰.۷	۳۳.۸	۳۹.۴	۰ تا ۱۴ سال
۶۴.۵	۶۲.۱	۵۶.۲	۱۵ تا ۶۴ سال
۴.۷	۴.۱	۴.۴	پیش از ۶۵

Source: Habibi, 2005: 84



نمودار شماره ۳: درصد توزیع نسبی جمعیت گروه‌های سنی

همچنین با توجه به نمودار شماره ۴، در هرم سنی جمعیت تهران، بیشترین درصد جمعیت شهر را جوانان تشکیل می‌دهد که غلبه جمعیت جوان بویژه در نقاط شهری یک کشور یعنی غلبه و تحمیل انبوهی از مسائل اجتماعی و مشکلات اقتصادی بر نظام برنامه‌ریزی آن جامعه (Naghd, 2003: 129-130). بخصوص اگر این جوانان از محرومیت‌هایی مثل تضاد طبقاتی، وضعیت معیشتی، درآمد، بیکاری و غیره رنج ببرند. از سوی دیگر برای تبیین خشونت‌های شهری علل مختلفی را مطرح کرده‌اند، در ایالات متحده آمریکا، جوانان محروم از امکانات تاکنون بارها از شورش، آتش‌زدن خودروها و غارت فروشگاه‌ها برای رساندن پیام خود به مسئولان جامعه استفاده کرده‌اند (Ameri, 2000: 21).



نمودار شماره ۴: هرم سنی - جنسی جمعیت تهران ۱۳۸۵؛ (Source: Statistical Center of Iran)

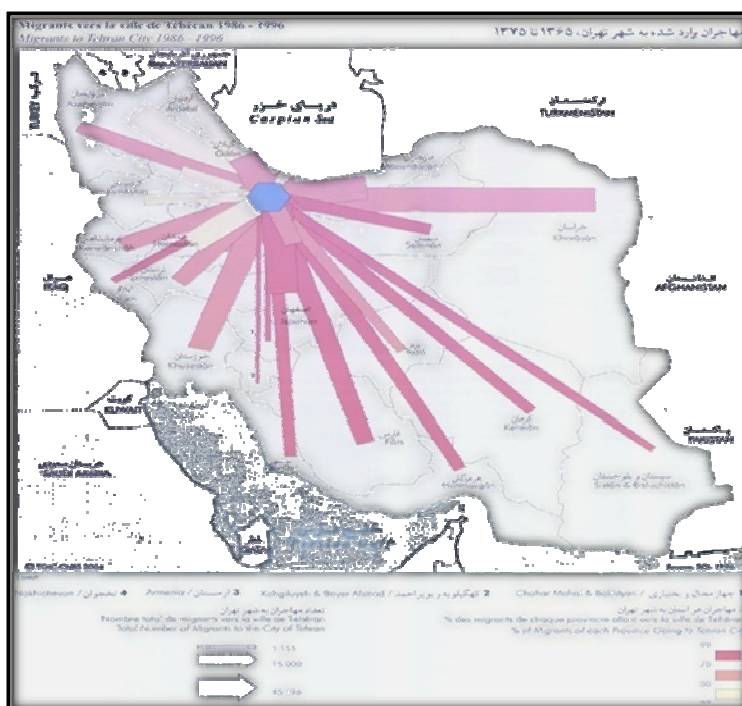
۴-۱-۲-۴- مهاجرت

مهاجرت ادامه منطقی توزیع، ترکیب نهایی و جابه‌جایی جمعیت در مکان جغرافیایی است. در حقیقت مهاجرت اغلب اوقات در نتیجه عدم وجود تعادل‌های منطقه‌ای در سطوح ناحیه‌ای است (Javan, 2006: 315). طی پنج قرن گذشته مهاجرت‌های انبوه، نقش عمده‌ای را در استعمار، صنعتی شدن، ظهور حکومت‌های ملی و توسعه بازار جهانی سرمایه‌داری داشته‌اند. مهاجرت می‌تواند هم در سطح ملی و هم در سطح بین‌المللی تنش‌هایی را موجب شود، مانند زمانی که مهاجران مانند جمعیت‌های ساکنی محسوب می‌شوند که از استخدام و مزایا محروم شده‌اند (Muir, 2000: 213). طی دوره ده‌ساله ۱۳۷۵-۱۳۸۵ حدود ۱۶/۷ درصد جمعیت در داخل قلمرو حکومتی کشور جابجا شده‌اند. این درصد نسبت به دوره ۷۵-۱۳۶۵، ۲/۷ درصد افزایش داشته است. این امر شدت یافتن جریان‌های مهاجرت داخلی را در دهه اخیر نسبت به دهه قبل

نشان می‌دهد.

از جمله ویژگی‌های مهاجرت داخلی کشور ایران در دوره مورد بررسی جهت‌دار شدن این جریان از مهاجرت‌های درون استانی به مهاجرت‌های بین استانی است. در سال ۱۳۷۵ حدود ۳۵ درصد از مهاجرت‌های داخلی در بین استان‌های کشور و بقیه در درون استانها صورت گرفته بود در صورتیکه در سال ۱۳۸۵ سهم مهاجرت‌های بین استانی به ۴۱ درصد افزایش یافته است. تغییر در درصد‌های یاد شده اهمیت یافتن جابجایی‌های با مسافت بیشتر را نسبت به مسافت کوتاه‌تر نشان می‌دهد. به نظر می‌رسد که منافع حاصل از مهاجرت (از جمله اشتغال و تحصیل) برای افراد از درون استان‌ها به بیرون استانها منتقل شده است، به همین خاطر است که افراد منافع مهاجرت را به هزینه‌های آن ترجیح می‌هند. باتوجه به هزینه‌های مهاجرت و اصل مهاجرت و مسافت راوشتاین است که در اکثر مهاجرت‌های بین استانی مهاجران استان‌های هم‌جوار را برای مهاجرت برمی‌گزینند. در بررسی صورت گرفته در مهاجرت‌های بین استانی بیشترین مهاجران وارد شده و خارج شده در سرشماری ۱۳۸۵ به استان تهران اختصاص داشته است. به طوری که حدود ۳۰ درصد مهاجران بین استانی، استان تهران را به‌عنوان مقصد مهاجرت خویش انتخاب کرده و نیز مبدأ ۱۷ درصد از مهاجران استان تهران بوده است. مقایسه این ارقام با ارقام به‌دست آمده برای سرشماری ۱۳۷۵ نشان می‌دهد که اهمیت استان تهران به‌عنوان مبدأ و مقصد مهاجرت برای مهاجران همچنان در حال افزایش است. باتوجه به محرومیت مناطق دیگر نسبت به استان تهران و نیز امکانات بالقوه و بالفعل موجود در این استان و برخورداری از بسیاری مزایای دیگر (از جمله اشتغال) حرکات مهاجرتی استان تهران بخصوص شهر تهران را می‌توان تبیین کرد. علاوه بر استان و شهر تهران، مهاجرت‌های صورت گرفته به سایر کلان شهرهای کشور از جمله مشهد، شیراز، اصفهان و تبریز نیز با این دیدگاه قابل تبیین است (Zamani, 2009: 118). اما در مورد تهران اگر دو مقطع تاریخی (تصویب اصول شش‌گانه در سال ۱۳۴۲ و ورود دلارهای نفتی بر اثر توجه به اقتصاد نفت (۱۳۵۳-۱۳۵۱) را در بررسی‌های جمعیتی وارد کنیم ملاحظه می‌شود که این مقطع در دوره‌های سرشماری بعدی اثر مهاجرتی خود را بر روی جمعیت شهر تهران نشان می‌دهد (سرشماری‌های ۱۳۴۵ و ۱۳۵۵) به عبارت دیگر در حالی که حدود ۵۰ سال اولیه شکل‌گیری شهر تهران تنها

۱۳۰/۰۰۰ نفر به جمعیت شهر تهران افزوده شده است، اما طی ۶۰ سال اخیر یعنی ۱۳۲۵ تا ۱۳۸۵ بیش از ۷ میلیون نفر به جمعیت شهر تهران افزوده شده است (۵۵ برابر افزایش ۵۰ ساله اولیه شکل‌گیری شهر تهران). در حقیقت مهاجرت از این نظر در قدرت ملی کشور مؤثر است چون دگرگونی‌هایی را در اوضاع و احوال اقتصادی به وجود می‌آورد و رفتارهای جمعیتی، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی را در نواحی مهاجر فرست و مهاجرپذیر تحت تأثیر قرار می‌دهد (نقشه شماره ۱). در واقع اکثر مهاجرین به شهر تهران را افراد کم بضاعت، تربیت شده در فرهنگی متفاوت از شهرهای مهاجرپذیر تشکیل می‌دهد. عدم ثبات اقتصادی، مشکلات اجتماعی ناشی از عدم تطابق با محیط جدید، کمبود حمایت‌های مالی و اجتماعی مورد نیاز این افراد، عدم پذیرفته شدن در جامعه جدید و اختلافات زبانی همه و همه این مهاجرین را مستعد ناراحتی فکری و روانی، تخطی از قوانین و رفتارهای ضد اجتماعی می‌نماید. فقدان امکانات کافی آموزشی و سرگرمی‌های متناسب با گروه‌های سنی در جامعه منجر به کاهش نسبی مهارت‌های فنی و علمی افراد برای احراز شغل مناسب، افزایش ساعات بیکاری و طبیعتاً آماده شدن زمینه برای روی آوردی به بزه، قانون‌شکنی و رفتارهای خلاف اجتماع می‌گردد. که با نگاهی به آمار جرائم کلان‌شهر تهران همه موارد مذکور در این شهر تجلی یافته است که برخی از جامعه شناسان معتقدند این شهر دچار آنومی اجتماعی شده است.



نقشه شماره ۱: مهاجران وارد شده به شهر تهران ۱۳۶۵ تا ۱۳۷۵؛ (Source: Habibi, 2005: 115)

۵-۲-۱-۴- پراکندگی و توزیع جغرافیایی جمعیت

در پراکندگی جمعیت، اثرات عوامل بسیاری همچون مسائل اجتماعی، طبیعی، اقتصادی و سیاسی و تاریخ باید مورد توجه قرار گیرند. وظیفه جغرافیدانان آشکار ساختن تأثیرات این عوامل نه تنها در یک زمان معین، بلکه به صورتی مداوم می‌باشد (Mahdavi, 1995: 390). توزیع و پراکندگی جمعیت و بررسی وضع تراکم آن در کیلومترمربع در نواحی مختلف کشور نشان‌دهنده ناموزونی شدید در توزیع جمعیت در سطح کشور است (Javan, 2006: 77). در واقع ساختار فضایی - جغرافیایی ملت ایران از دو بخش به هم پیوسته مرکزی و پیرامونی پدید آمده است. بخش پیرامونی بر خلاف بخش متراکم و متجانس مرکزی، دچار گسیختگی است و مجموعه‌ای متنوع از گروه‌های فرهنگی و قومی را دربر می‌گیرد (Pishgahifard & Omidi, 2009: 51). به عبارت دیگر

توزیع و پراکندگی جغرافیایی جمعیت ایران، با توجه به اینکه ترکیبی از دو الگوی توزیع و پراکندگی هسته‌ای- نقطه‌ای و ناهماهنگ در سطح کشور را نشان می‌دهد، اما نمی‌تواند به‌نحو احسن در تأمین امنیت، ثبات و توسعه همه‌جانبه کشور عمل کند (Hafeznia and et al, 2009: 159). در واقع نحوه توزیع جمعیت در سطح یک سرزمین ملی می‌تواند ثبات سیاسی آن را تحت تأثیر قرار دهد. وجود تجمعی از انسان‌ها در نواحی داخلی و جمعیت پراکنده‌تر در نواحی مرزی یک کشور توزیع مطلوبی به‌شمار می‌رود. چنین الگویی باعث ایجاد احساس مشترک اجتماعی در میان دولت شده و ارتباط با ساکنان کشورهای خارجی را به حداقل می‌رساند. تمرکز جمعیت در مرزها و وجود جمعیتی محدود در هسته مرکزی، بدترین شکل توزیع جمعیت در یک کشور است. این الگو تمایل به گندکردن روابط با نواحی داخلی و تشویق به روابط نزدیک‌تر با ساکنان مرزی دیگر کشورها را به‌وجود می‌آورد. مردمی که در نزدیکی مرزها زندگی می‌کنند، ممکن است روابط بین‌المللی قوی‌تری را در مقایسه با روابط با نواحی داخلی‌تر کشور خود به‌وجود آورند (Jordan & Rowntree, 2001: 172). در ایران، تفاوت‌های مکانی از نظر توزیع منابع اقتصادی و ثروتی موجب شده‌اند که مراکز معیشتی به نواحی پیرامونی کشور که از نظر اقتصادی و منابع معدنی و صنعتی غنی‌تر هستند، سوق یابند و نابرابری اکولوژیکی بین نواحی پیرامونی با نواحی مرکزی و بخش‌های کوهستانی و دشت‌های حاشیه‌ای باعث شده‌است، تقریباً بیشتر فعالیت‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی در نواحی خارج از بخش‌های مرکزی آن شکل بگیرند. مکان‌گزینی مراکز حکومتی نیز، چه در قدیم و چه در قرون اخیر، در شهرهایی مانند اصفهان، قزوین، شیراز، مشهد، تهران و سایر شهرهای عمده، از این قانونمندی تبعیت کرده است و این مراکز بیشتر در بخش‌های پیرامونی و نواحی پست جلگه خوزستان و سواحل دریای مازندران و دشت‌های پای‌کوهی مجاور کوهستان استقرار یافته‌اند (Rezvani, 1995: 126). در کلان‌شهر تهران نیز جمعیت به‌صورت متعادل توزیع نگردیده است به‌نحوی که بین مناطق با تراکم خیلی زیاد در نیمه جنوبی شهر (با حداکثر ۴۱۲ نفر در هکتار در مناطق ۱۰، ۱۴ و ۱۷ و تراکم میانگین ۳۰۰) با محلات کم تراکم شمال شهر بین ۴۰ تا ۹۰ نفر در هکتار (ونک ۴۴، زعفرانیه ۵۴ و تجریش ۶۳ نفر در هکتار) تفاوت‌ها همیشه بسیار زیاد است (Habibi, 2005: 79). که عدم تعادل در توزیع جمعیت در کلان‌شهر تهران، نشان‌دهنده

نابرابری اجتماعی بین مناطق شمال و جنوب این شهر می باشد و نابرابری های موجود خود مهمترین منابع تهدیدات امنیت اجتماعی و ملی به شمار می آید (Nasiri and Azami, 2006: 6).

با این وجود، مؤلفه های مورد بررسی در این تحقیق بیانگر آن است که کلان شهر تهران از نظر کمی بیش از ظرفیت خود جمعیت جذب کرده است که با توجه به خالی شدن نواحی شهری و روستایی از جمعیت و جذب آن در این شهر مسائل و مشکلاتی را در سطح ملی به وجود آورده است. اما در ابعاد کیفی جمعیت باید اذعان داشت که کانون های شهری و بویژه کلان شهرها در معرض برخورد فرهنگ ها قرار دارند و به عنوان چهارراه فرهنگ ها با دیدگاه ها و ارزش های متفاوت عمل می کنند. اگرچه ممکن است در جامعه ای منزوی تغییرات فرهنگی، کند و بطئی باشد، اما در شهرها وضع به گونه دیگری است و سرعت تحول در جریان ها و ارتباطات در شهرها، عینیت بیشتری می یابد. شهر تهران، چه پیش از انقلاب و چه پس از آن، نه به صورت مجموعه ای به هم پیوسته از اجزای متفاوت بلکه به عنوان دیگی جوشان از عناصر متفاوت نگریسته شده است. در نبرد برای کسب منزلت، که مشخصه همه اقشار اجتماعی از فقیر تا غنی است، همه از مهاجر بودن گریزانند. در این نزاع، زاده تهران بودن سلاحی ارزشمند در برابر شهرستانی هاست و تأکید بر زبان فارسی و لهجه تهرانی همواره مطرح است.

در مورد مهاجرت باید گفت جامعه شهری تهران ترکیبی از مهاجران است. این شهر آئینه تمام نمای کشور است. چرا که ایران کشوری چندقومی و چندزبانی (گوشی) است که در آن کردها، آذری ها، ترکمن ها، عرب ها، لر ها و بلوچ ها اقلیت های بزرگ قومی را تشکیل می دهند. این گروه ها با گردهم آمدن در تهران مجموعه موزائیکی از پس زمینه ها و هویت های متنوع ایجاد کرده اند که تحت سیطره زبان و فرهنگ فارسی است، که به دلیل تضاد میان نواحی سرزمینی این خرده فرهنگ ها با شهر تهران از جمله میزان توسعه انسانی و وجود این خرده فرهنگ های مختلف ایرانی در کنار هم در مرکز کشور می تواند عاملی باشد در جهت بیداری و خیزش یکباره هویت های محلی که در جامعه ایرانی به دلیل ساختار متمرکز سیاسی - فرهنگی - اقتصادی کشور تا به حال اجازه رشد نداشته اند. البته عکس این عمل نیز می تواند روی بدهد.

توزیع و پراکندگی جمعیت بین استانی در داخل کشور نیز کاملاً از حالت مرکز پیرامون

برخوردار است و نمی‌تواند نویدبخش آینده خوبی برای توسعه و امنیت کشور باشد، چرا که تداوم این روند باعث تجمع خرده فرهنگ‌ها و سلايق مختلف ایرانی در مرکز کشور شده است. توزیع و پراکندگی جمعیت و بررسی وضع تراکم آن در کیلومتر مربع در نواحی مختلف کشور از جمله تراکم آن در کلان‌شهر تهران نشان‌دهنده ناموزونی شدید در توزیع جمعیت در سطح کشور است که نمی‌تواند به‌نحو احسن در تأمین امنیت، ثبات و توسعه همه‌جانبه کشور عمل کند.

۵- نتیجه‌گیری

همان‌گونه که قبلاً ذکر شد، مردم یکی از عناصر مهم وجودی هر کشور می‌باشند. از سوی دیگر موضوع جمعیت یکی از مباحث جامعه‌شناسی، جغرافیای جمعیت و جغرافیای انسانی محسوب می‌گردد، ولی اثربخشی سیاسی آن در جغرافیای سیاسی مورد بررسی قرار می‌گیرد. جمعیت و ویژگی‌های آن به‌عنوان یک عامل مؤثر در توسعه و قدرت ملی کشور محسوب می‌گردد. برخی عوامل و متغیرها مانند تعداد جمعیت ممکن است در یک کشور دارای کارکرد مثبت بوده و در کشور دیگر کارکرد منفی داشته باشد.

با توجه به اینکه شهر یک واحد اجتماعی - فضایی است که سیاست و قدرت به‌عنوان عناصر تشکیل دهنده علم سیاست در آن، ارتباط تنگاتنگی با یکدیگر پیدا می‌کند شهرها و بویژه کلان‌شهرها همواره تجلی قدرت و ثروت و کانون جغرافیایی قدرت و ثروت به‌شمار می‌آیند. اکنون، با افزایش مستمر جمعیت، تهران به یکی از کلان‌شهرهای جهان تبدیل شده است که با توجه به روند تغییراتی که از گذشته تا به امروز داشته است از لحاظ کمی و کیفی وضعیت مشخصی نداشته و بدون برنامه‌ریزی به‌صورت لکه‌ای در پهنه جغرافیایی کشور دیده می‌شود که در سطح ملی کشور را با چالش‌های اساسی مواجه کرده است. در همین راستا با توجه به تمرکز شدید اداری، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی - اجتماعی کلانشهر تهران در سطح ملی، تهران دارای نقش و کارکردی است که کل تحولات کشور، تحت‌الشعاع آن می‌باشد.

در این پژوهش پس از بررسی و تحلیل ابعاد جمعیتی کلان‌شهر تهران، بر اساس مؤلفه‌های تحقیق در بعد کمی (تعداد جمعیت) و ابعاد کیفی آن از قبیل: ارزش‌های فرهنگی اجتماعی،

همگونی یا ناهمگونی جمعیت، ترکیب یا ساختمان جمعیت، مهاجرت، پراکندگی و توزیع جمعیت این نتیجه حاصل آمد که کلان‌شهر تهران با وضعیت جمعیتی حال حاضر و نسبت به کل کشور، در قدرت ملی دارای کارکرد منفی می‌باشد و به عبارت دیگر نقش جمعیتی این شهر کاهنده قدرت ملی است نه افزایشده.

۶- قدرتانی

مقاله حاضر مستخرج از پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد تحت عنوان «تبیین نقش اقتصادی منطقه کلان‌شهری تهران در قدرت ملی» می‌باشد، لذا نگارندگان از دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات و مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران به خاطر حمایت‌های مالی قدرتانی می‌نمایند.

References

1. Adhikari, Sudepto (1997); Political Geography, Jaipur and New Delhi: Rawat Publications, p265.
2. Altaei, Ali (2003); Ethnic identity crisis in Iran, Shadgan Publications, Tehran [in Persian].
3. Ameri, Hamidreza (2000); Violence dealing with the city, Tehran [in Persian].
4. Arabmazar, Abbas and Keshvari Shad, Ali (2005); the effect of population age structure change on economic growth, Economic Research Quarterly, No. 15, Tehran [in Persian].
5. Ashofte Tehrani, Amir (2002); Demography and analysis of population Essays, Gostareh Publications, Tehran [in Persian].
6. Azadarmaki Taghi and Ghiasvand, Ahmad (2004); Assessment of socio-cultural value system in Iran, National Studies Quarterly, Vol. 5, No.2, Tehran [in Persian].
7. Behzadfar, Mostafa (2007); the identity of the city, look at the identity of Tehran, Nashre Shahr Publications, Tehran [in Persian].
8. Braden, Kathleen and Shelly, Fred (2004); Engaging Geopolitics, Translated from English to Persian by: Alireza Farshchi and hamidreza Rahnama, High Course of War Publications, Tehran [in Persian].
9. Coates, Johnston and Knox P.L (1977); Geography and Inequality, Oxford University Press.
10. Collins, John M (1996); Grand Strategy (principles and procedures), Translated from English to Persian by: Kurush Bayendor, Political and International Studies Office, Tehran [in Persian].
11. Dollfus, Olivier (1995); Geographical space, Translated from French to Persian by: Sirous Sahami, Nika Publications, Tehran [in Persian].
12. Ezati, Ezatallah (2009); Geopolitics, 8th Edition, SAMT Publication, Tehran [in Persian].
13. Giddens, Anthony (1997); Sociology, Translated to Persian by: Manochehr Saboori, Ney Publications, Tehran [in Persian].
14. Habibi, Mohsen (2005); Atlas of Tehran Metropolis, Pardazesh Publications, Tehran [in Persian].
15. Hafeznia and et al (2009); Investigation and analysis of population on Iran's geopolitical weight, Modares Quarterly, Period 13, No. 1, Tehran [in Persian].
16. Hafeznia, Mohammadreza (2002); Political Geography of Iran, SAMT Publication, Tehran [in Persian].
17. Hafeznia, Mohammadreza (2006); Principles and concepts of geopolitics, Papoli Publication, Mashhad [in Persian].

18. Hafeznia, Mohammadreza (2007); Power and National Interests; principles, concepts and measurement methods, Entekhab Publications, Tehran [in Persian].
19. Hassani, Seyed Ghasem (2006); the Culture of Iranian cities; Integrated Culture, National Studies Quarterly, Vol. 7, No.25, Tehran [in Persian].
20. Hassanitabar, Rahim (2007); Crime prevention through urban land use planning, Case Study: Khorramabad City, MA thesis in geography and urban planning, Azade Islami University, Sciences and Research Branch, Tehran [in Persian].
21. Jablonsky, David (1997); National power, parameters, spring, p.34.
22. Javan, Jafar (2006); Population Geography of Iran, Jahade Daneshgahi Publications, Mashhad [in Persian].
23. Jordan, Terry and Rowntree, Lester (2001); Introduction to cultural geography, Translated from English to Persian by: Simin Tavalaei and Mohammad Soleimani, Culture, Arts and Communications Publications, Tehran [in Persian].
24. Kalantari, Mohsen (2001); Study of crime Geography in the areas of Tehran, Ph.D. dissertation in geography and urban planning, Tehran University, Tehran [in Persian].
25. Karimipoor, Yadallah and Mohammadi, Hamidreza (2009); Geopolitical, regionalism and Administrative divisions of Iran, Entekhab Publications, Tehran [in Persian].
26. Madanipoor, Ali (2002); Tehran, emerge of a megalopolis, Translated to Persian by: Hamid Zarazvand, Processing and Planning center of Tehran, Tehran [in Persian].
27. Mahdavi, Masoud (1995); Principles and basis of population geography, 2nd Edition, Ghoumes Publication, Tehran [in Persian].
28. Mirheydar, Dorreh (2006); Principles of Political Geography, SAMT Publication, Tehran [in Persian].
29. Moezi, Asadallah (1992); Principles of Demography, Avaye Noor Institute, Tehran [in Persian].
30. Mohammadi, Hamidreza and et al, (2008); Geographical analysis of sources of National threat in Iran, Geopolitics Quarterly, Vol. 4, No. 2, Tehran [in Persian].
31. Mojtahedzadeh, Pirouz (2002); Political Geography and Geopolitics, SAMT Publication, Tehran [in Persian].
32. Motei Langroodi, Hassan (2005); Economical Geography of Iran (Agriculture), Jahade Daneshgahi Publications, Mashhad [in Persian].
33. Muir, Richard (2000); New Introduction to Political Geography, Translated from English to Persian by: Dorreh Mirheydar and Seyed Yahya Safavi, Geographical Organization, Tehran [in Persian].
34. Naghdi, Asadallah (2003); Introduction to City Sociology – Human and City, Fanavaran Publications, Hamadan, [in Persian].

35. Nasiri, Masomeh and Azami, Hadi (2006); Urban inequalities threat for Tehran social security, an approach in Political Geography, Geopolitics Quarterly, Vol. 2, No. 1, Tehran [in Persian].
36. Pishgahifard Zahra & Omidi, Maryam (2009); the relationship between distribution of Iranian ethnics and border security, Geopolitics Quarterly, Vol. 5, No. 1, Tehran [in Persian].
37. Rahnamaie, Mohammad Taghi and Poormusavi, Seyed Musa (2006); the Study of security instabilities of Tehran Metropolis; based on urban sustainable development Indicators, Geographical Research Quarterly, No. 57, Tehran [in Persian].
38. Rezvani, Aliasghar (1995); Interrelationships of City and Village; with emphasis to Iran, Payame Noor University, Tehran [in Persian].
39. Saeifzade, Seyed Hossein (2006); Principles of international relations (A & B), Mizan Publications, Tehran [in Persian].
40. Salehi Amiri, Reza (2003); National cohesion and cultural diversity, Center for Strategic Research, Tehran [in Persian].
41. Sarvar, Rahim (2009); Introduction to the transformation process, evaluation of programs and providing proposed strategies and programs, Planning Studies Center for Tehran, Tehran [in Persian].
42. Statistical Center of Iran, Population and Housing Censuses (1956-2006), Tehran [in Persian].
43. Tahami, Seyed Mojtaba (2003); National security, doctrine and policies of defense and security, Volume 1, Supreme National Defense University, Tehran [in Persian].
44. Thompson R. Ellis and Vildarski, A (1990); cultural theory (Boulder: west view) p1-5.
45. Tohidfam, Mohammad (2003); Culture in the Age of Globalization, Challenges and Opportunities, Rozaneh Publications, Tehran [in Persian].
46. Weigert H. W. & Others (1957); Principles of political geography; Appletion Century-Crofts, New York.
47. Zamani, Fariba (2009); the importance of demography in the land use planning (with emphasis on provincial migration), Population Quarterly, No. 69-70, Tehran [in Persian].
48. Zarghani, Hadi (2006); Evaluation factors and variables affecting national power and Design of a National Power Measurement Model, PhD Thesis in Political Geography, Tarbiat Modares University, Tehran [in Persian].